

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ دسمبر ۲۰۲۲

مخاطب "گلبدین" کیست؟ طالب و یا خودش؟

شنبه - ۱۹ قوس ۱۴۰۱ - کابل: روز گذشته "گلبدین" یک هفته بعد از حمله بالای دفتر و مسجدش، به جای خطبه نماز جمعه، ضمن آن که معلومات قسماً مفصلی در مورد سوء قصد هفته گذشته ارائه داشت و هویت تروریستان را نیز از اتباع تاجیکستان اعلام نمود، نکات دیگری را نیز بیان داشت که هر چند از مخاطب مشخصی نام نبرد، مگر قسمتی از گفته هایش تلویحاً طالب و قسمت دیگری از گفته هایش خودش و باندش را احتوا می نمود. وی در جریان خطبه هایش گفت:

«ملت شاهد است که ما از روزی که با حکومت کابل معاهده صلح را امضاء کردیم؛ تا امروز فقط مصروف مبارزه فکری و سیاسی بودیم؛ اما می بینید که عده ای از جنایتکاران؛ همین را نیز تحمل نمی کنند؛ محراب و منبر ما، حلقه های درسی ما، مسجد و تلویزیون ما، تأکید ما بر حل مسالمت آمیز بحران کشور، مذاکرات صادقانه و بلا قید و شرط بین الافغانی، تشکیل شورای منتخب که اجماع ملی را تمثیل کند و به نمایندگی از مردم در مورد تمامی مسایل مهم ملی به شمول تصویب قانون اساسی جدید تصمیم بگیرد و تمامی گروه ها به آن تمکین و التزام داشته و اصرار بر جنگ را کنار بگذارند؛ اما دیدید که به مشوره ها و خواسته های ما و تمامی ملت نه تنها اعتنایی ندارند و آن را تحمل نمی کنند بلکه تصمیم می گیرند این مسجد را ویران کنند و نمازگزارانش را به خاک و خون بکشند»

«پس از شناخت عاملین اصلی؛ حساب مان را به آنان تصفیه خواهیم کرد»

وی ادامه داد: «ما مجبوریم تصمیم خود را بگیریم؛ ملت را از شر اشرار مزدور و جانی نجات دهیم»

همچنین وی در این سخنرانی از متحدان حزب اسلامی خواست برای جنگ دیگر در برابر گروه «جانی، خاین، وطن فروش و دین ستیز» آماده شوند.

هموطنان گرامی!

لطف نموده با تمام نفرتی که از شخص "گلبدین" و گفته هایش دارید، نقل های قول بالا را یک بار دیگر با دقت بیشتر بخوانید، در آن صورت متوجه خواهید شد "گلبدین" علی رغم آن که از کسی نام نمی برد و با ابهام صحبت می نماید، مگر در تمام نشانی های طرف مقابل، می کوشد بدون آن که نام ببرد طالب و نظام ملاسالار را نشان بدهد.

این نشانی ها که از آغاز انعقاد معاهده انقیاد طلبانه اش با حاکمیت پوشالی ساقط شده آغاز می یابد، به کار فرهنگی و دور از جنگ، طرح خواسته های معین از طالب و نظام ملاسالار و عدم اعتنای نظام ملاسالار به وی و به امتناع طالب

از شریک ساختنش به قدرت و در نهایت نقطه پایان گذاشتن بر فعالیت های فرهنگی اش با مسدود ساختن تلویزیون وابسته به وی خاتمه می یابد. از آنجائی که تمام آنچه را "گلبدین" خواسته برآورده ساختن آنها صرف مربوط طالب است و بس، می توان به صراحت گفت که "گلبدین" از آن طریق با طالب اعلان جنگ نموده است.

سوالی که در اینجا مطرح می گردد، این است که اولاً "گلبدین" این جرأت و شهامت را از کجا به دست آورده و در ثانی چه چیزی باعث می گردد تا طالب و نظام ملاسالار که در سایر موارد "مگس را با توپ می زنند" مقابل چنین رجز خوانی آشکار و اعلان جنگ سکوت نماید؟

آیا "گلبدین" با تکیه و به پشتوانه قرارداد و تعهدنامه ای که با امریکائی ها در زمان حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" امضاء کرده و در آن "پنتاگون" تضمین نموده که در افغانستان تحت هر شرایطی که باشد، هیچ کسی نمی تواند باعث اذیت و آزار و یا به بند و زندان کشاندنش، "گلبدین" و نزدیکانش بشود یعنی هرگاه کدام نیروئی بخواهد حین اقامتش در کابل، وی را آزار و اذیت نماید، تمام پنتاگون با زرادخانه اتومی اش از وی حمایت خواهد نمود و یا در کنار آن تعهد امپریالیسم امریکا، نظامیان پاکستان و "آی. اس. آی." تضمین خاصی از جانب خود داده اند که به کسی اجازه نخواهند داد تا در خاک افغانستان، پاکستان و یا کدام جای دیگری، علیه "گلبدین" اقدامی نماید.

هموطنان گرامی!

به جز اذعان به وجود چنین تضمینهائی، هیچ چیزی نمی توانست و نمی تواند، مانع از آن شود که طالب سر این نوکر را گوش تا گوش ببرد و ملتی را برای بار نخست بعد از اعدام "داکتر نجیب"، با عملکردش شاد بسازد.

هرگاه از این رجز خوانی "گلبدین" بگذریم و بحث مان را راجع به تثبیت هویت تروریستها ادامه دهیم، دیده می شود که "گلبدین" بسیار آگاهانه راجع به دو تبعه تاجیکستان حرف می زند وی با این ادعا می خواهد مستقیم و غیر مستقیم سیاست های آینده باندش را بیان بدارد. چنانچه:

* این که آنها تاجیکسانی بودند، بدان معناست که طالب و نظام ملاسالار خلاف ادعاهایشان، نه تنها افغانستان را به مرکز تجمع تروریست های بین المللی از جمله تروریست های تاجیکی میدل نموده اند، بلکه به آنها دست باز در اجرای عملیات نیز داده است؛

* - با نشان دادن دشمنان خود در وجود اتباع تاجیکستان، به نحوی دشمنی خودش را با تاجیکها ضمن آن که برخاسته از دخالت کشور های همسایه معرفی می نماید، به تمام میهنفروشان که در افغانستان تضاد های قومی و سمتی را دامن می زنند، نیز چراغ سبز نشان می دهد که آنها می توانند، دست به خشونت بزنند؛

* - انگشت اتهام را به سمت اتباع تاجیکستانی گرفتن، در واقع مشخص ساختن محل جنگهای آینده این توله سگ امپریالیسم را نیز مشخص می سازد. به خصوص وقتی می گوید بعد از تثبیت این جنایتکاران حساب ما را با آنها تصفیه خواهیم نمود، عملاً پیام لشکرکشی به تاجیکستان را به اعضای باند خودش و بقیه شونیست ها صادر می نماید.

هموطنان گرامی!

"گلبدین" تقریباً در ختم سخنرانی اش از متحدین و اعضای حزبش می خواهد تا جهت نجات ملت افغانستان از شر "اشرار مزدور"، "جانی، خاین، وطنفروش و دین ستیز" با وی دست به یکی نمایند و جهاد شان را مجدداً آغاز و تا نابودی کامل آنها ادامه دهند، علی رغم آن که بسیار عام است و می تواند به ده ها گروه و سازمان و حزب من جمله نظام ملاسالار را نشانه گرفته باشد، با آنهم یک آدرس مشخص و سراسر را نیز معرفی می نماید.

آدرس شخص خودش و باندش.

این که طالب و نظام ملاسالار این رجزخوانی "گلبدین" را چگونه ارزیابی و پاسخ خواهند داد بر می گردد به نوعیت تعهداتی که دولتهای امریکا و پاکستان حین آوردن وی به کابل در زمان حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" داده اند. می توان با اطمینان نوشت: هرگاه طالب در آن تعهد نامه ها کدام خلأ و کمبودی بیابند، این رجز خوانی را با بریدن سر "گلبدین" پاسخ خواهند داد، در غیر آن می باید وجود این دشمن خلق ما را بیش از پیش تحمل نمایند.

هموطنان گرامی!

این درست است که در طی بیش از ۴ دهه اخیر گله ای از جنایتکاران، وطنفروشان و خاینان و آنهائی که با اعمال شان دین را در افغانستان به نفرت انگیز ترین پدیده مبدل ساخته اند وجود دارد، مگر این هم یک حقیقت غیر قابل انکار است که در بین تمام جانیان، خاینان، وطنفروشان و دین ستیزان شخص "گلبدین" یک سرو گردن از دیگران بلندتر می باشد. از همین رو می توانیم بنویسم که "گلبدین" اگر واقعاً صادقانه حرف زده باشد، اولتر از همه باید به نبرد با خودش و باندش بپردازد و خلق افغانستان را از "شر اشرار گلبدینی" نجات دهد. می تواند مطمئن باشد که خدمتی بالاتر از این نه مردم از وی توقع دارند و نه وی قادر به انجام کاری میرمتر از نابودی خودش می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!